

بررسی موانع رشد و توسعه تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها

میترا باغ‌جنتی^۱، نیلوفر معتمد، مرضیه باغ‌جنتی، علی حمیدی^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها انجام شد زیرا بررسی وضع محیط‌ها و نهادهای آموزشی نشانگر وجود مشکلات و بازدارنده‌های قابل ملاحظه‌ای در راه ایجاد فضای مناسب رشد تفکر انتقادی است.

روش: تحقیق حاضر با روش کتابخانه‌ای و مرور متون با جستجوی گسترده در کتب و پایگاه‌های اطلاعاتی از جمله پایگاه اطلاعات نشریات کشور، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پرتال جامع علوم انسانی، Science Direct، PubMed، Emerald، Ovid و با استفاده از کلمات کلیدی تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها، موانع تفکر انتقادی و مؤلفه‌های تفکر انتقادی انجام شد.

یافته‌ها: این مرور به ترسیم نمودار موانع رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها جهت ایجاد بستر لازم جهت رشد این مهارت‌ها در چهار عرصه کاربران، کتابداران، منابع و سازمان کتابخانه‌ها منجر شد.

نتیجه‌گیری: کتابخانه‌ها از یک طرف با تفکر و محصولات تفکر یعنی اطلاعات بیشترین ارتباط را دارند، و از سوی دیگر، تحلیل، ارزیابی، واضح‌سازی، طبقه‌بندی و مقایسه کردن که از مؤلفه‌های اساسی تفکر انتقادی هستند، در اغلب فعالیت‌های مرتبط با کتابخانه‌ها نمود پیدا می‌کنند. از این رو ضروری است کتابخانه‌ها خود را با مهارت‌های مورد نیاز کاربران خویش همچون تفکر انتقادی وسواد و مهارت‌های اطلاعاتی وفق دهند. در نتیجه، توجه به وضع کتابخانه‌ها و شناسایی مشکلات و بازدارنده‌های قابل ملاحظه در راه ایجاد محیط مناسب پرورش تفکر انتقادی و غلبه بر آن‌ها، لازم و بدیهی است.

کلید واژه‌ها: تفکر انتقادی، موانع، موانع ذاتی، موانع زبانی، موانع منطقی، موانع جامعه‌شناختی، موانع روان‌شناختی، کتابخانه‌ها.

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران. ایمیل: tinambj@gmail.com

۲. استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: a.hamidi@bpums.ac.ir

مقدمه

تفکر انتقادی^۳ و کارکردهای آن منبعی نیرومند برای مواجهه با چالش‌های فزاینده دنیای اطلاعات است. تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعاتی معتبر که انتظار می‌رود به قضاوتی صحیح منجر شود و مهارت‌هایی چون توانایی تعریف هدف، فرمول‌بندی سؤال، گردآوری اطلاعات مرتبط و توانایی ارزیابی و قضاوت بر مبنای شواهد و مدارک معتبر را در بر می‌گیرد (کوکبی، حری و مکتبی‌فرد، ۱۳۸۹). اگر چنین تفکری در جایگاه مناسب به‌کار رود نقش مهمی در رشد فرهنگی افراد ایفا می‌کند و آثار شناختی، روانی، اجتماعی و علمی ارزنده‌ای را در پی خواهد داشت (بختیارنصرآبادی، نوروزی، ۱۳۸۳). وجود جو تفکر انتقادی در مراکز آموزشی و پژوهشی از جمله کتابخانه‌ها، زمینه بهتری برای رشد علم و نظریه‌پردازی فراهم می‌سازد. چرا که کتابخانه‌ها از نهادهای مهم و تأثیرگذار جوامع علمی هستند که با حمایت از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به گسترش اطلاعات، دانش و فن‌آوری‌های جدید کمک می‌کنند. کتابخانه‌ها به واسطه برنامه‌ها و خدماتی که ارائه می‌دهند و همچنین فراهم‌آوری شرایطی که باعث تقویت حس کنجکاوی افراد می‌شود، فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی افراد مهیا می‌کنند. نگاهی به شرایط دنیای حاضر نشان‌دهنده این است که زندگی در جوامع پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که با تکیه بر تفکر و اندیشه مستمر، قدرت جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل، سازماندهی، نتیجه‌گیری و ارائه بازخورد لازم را داشته باشند. بنابراین می‌توان چنین گفت که لازمه ورود به عصر اطلاعات و روبه‌رو شدن با تحولات روزافزون قرن بیست و یکم، داشتن مهارت‌های تفکر انتقادی است. بنابراین با توجه به نقش نهادهای آموزشی و روش‌های حاکم بر آن‌ها، این محیط‌ها باید به‌گونه‌ای سازماندهی شوند که افراد را به جای ذخیره‌سازی حجم بزرگی از داده‌ها، با مسائلی درگیر کنند که در زندگی واقعی با آن‌ها مواجه هستند. اما بررسی نهادها و محیط‌های آموزشی نشان‌دهنده وجود مشکلات و بازدارنده‌های قابل ملاحظه‌ای در راه ایجاد جو مناسب برای پرورش تفکر انتقادی است (غفاری، ۱۳۸۴). چرا که رشد و توسعه تفکر انتقادی وابسته به غلبه بر موانع مختلف فردی و اجتماعی مانند ترس از شکست، قوانین محدود کننده و مانند آن است. بنابراین در شرایط کنونی، ضروری است با اتخاذ تدابیر و شیوه‌های مناسب در نهادهای

³ Critical Thinking

آموزشی به‌ویژه کتابخانه‌ها، زمینه را برای تجلی و بروز تفکر انتقادی فراهم آورد. دستیابی به چنین وضعیتی در ابتدا مستلزم شناسایی وضع موجود است. تا پس از شناسایی عوامل مختلفی که مانع دستیابی به چنین موقعیتی می‌شوند، بتوان با ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های مناسب برطرف کردن آن‌ها، زمینه رشد تفکر انتقادی فراهم شود. در همین راستا در این مقاله برای درک بهتر موضوع، ابتدا به تعریف تفکر انتقادی و نقش تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها پرداخته می‌شود و سپس عوامل مختلفی که می‌تواند مانع بروز تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها شوند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها

تفکر انتقادی چگونگی مواجه شدن افراد با موضوعات برای شناخت آن‌هاست. این اصطلاح، در مفهوم وسیع کلمه به معنای جستجوی آگاهی است؛ آگاهی که هم به دستیابی اطلاعات موجود و ارزشیابی آن توجه دارد، و هم برای تولید دانش جدید اهمیت قائل است (شعبانی، ۱۳۸۲: ۴۴). این نوع از تفکر یک فرآیند خودتنظیم و هدف‌دار است که توجه و تأملی قابل استدلال به شواهد، زمینه‌ها، مفاهیم، روش‌ها و معیارها دارد (فسیونه^۴، ۱۹۹۰). بنابراین برای تشریح این مفهوم ابتدا لازم است خصوصیات متفکرین نقاد مشخص شود. از این‌رو فسیونه (۲۰۱۳) در جستجوی یک تعریف روشن از تفکر انتقادی با تأکیدی که بر مفهوم‌سازی دارد، یک متفکر منتقد را کنجکاو، آگاه، مشتاق به استدلال، دارای فکری باز، انعطاف‌پذیر، منصف در ارزشیابی، صادق در رویارویی با گرایشات شخصی، محتاط در قضاوت، دقیق در جستجوی اطلاعات مرتبط، مستقل در انتخاب معیارها و مصر در جستجو برای اطلاعاتی دقیق توصیف می‌کند. علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، عواملی وجود دارند که در جهت انتقادی اندیشیدن افراد نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. داشتن اطلاعات و دانش کافی، داشتن شک و تردید منطقی و همچنین فراهم کردن شرایط و موقعیت برای ابراز عقاید و نظرات از عوامل بستر ساز و ایجاد‌کننده تفکر انتقادی می‌باشند. در نتیجه با توجه به این‌که تفکر انتقادی نیازمند پایه اطلاعاتی صحیح و معتبر است (آرمسترانگ^۵، ۲۰۱۰) و جز در محیطی امن و آرام که رویکردهای مختلف فکری قابلیت رشد و نمو داشته باشند، شکل نمی‌گیرد

^۴ Facione, A. Piter

^۵ Armstrong, Jeanne

(مایرز^۶، ۱۳۹۰: ۱۴)، نقش کتابخانه‌ها که می‌توانند بستری مناسب برای ایجاد زمینه ارتقاء و پیشرفت تفکر انتقادی را فراهم کنند، بیشتر مشخص می‌شود. بنابراین توجه به وضع کتابخانه‌ها و شناسایی مشکلات و بازدارنده‌های قابل ملاحظه در راه ایجاد محیط مناسب برای پرورش تفکر انتقادی و ارائه راه‌کارهایی برای غلبه بر آن‌ها، لازم و بدیهی است.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر یک مطالعه مروری است که مبتنی بر انگیزه دسترسی به اطلاعات و روابط علمی بین آن‌ها به گردآوری نظام‌مند اطلاعات می‌پردازد. برای گردآوری اطلاعات ابتدا با روش کتابخانه‌ای، جستجوی گسترده‌ای در مدارک کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفت. بدین صورت که ابتدا جستجویی با استفاده از کلید واژه تفکر انتقادی در موتور جستجوی گوگل اسکالر برای شناسایی منابع اطلاعاتی موجود در حوزه تفکر انتقادی صورت گرفت. در ادامه با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی از جمله پایگاه اطلاعات نشریات کشور^۷، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۸، پرتال جامع علوم انسانی^۹، Science Direct، PubMed، Emerald، Ovid و با استفاده از کلمات کلیدی تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها، موانع تفکر انتقادی، مؤلفه‌های تفکر انتقادی و عوامل رشد تفکر انتقادی انجام شد. سپس با کنترل منابع و مطالعه متون، مقالات متناسب با موضوع پژوهش انتخاب و مؤلفه‌های موجود در آن‌ها شناسایی شدند. در ادامه فهرستی اولیه از مؤلفه‌های موانع رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها تهیه گردید. برای درک بهتر و حذف همپوشانی‌ها، بهترین حالت این بود که از تقسیم‌بندی استاندارد برای موانع تفکر انتقادی استفاده شود. اما در این مطالعه مشخص شد در اکثر متون مورد بررسی، موانع به صورت کلی و بدون تقسیم‌بندی خاصی ارائه شده‌اند (باشام، ایروین، ناردان و والاس^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ براون^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ فانی^{۱۲}، ۲۰۱۱).

⁶ Meyers, Chat

⁷ <http://www.magiran.com/>

⁸ SID Scientific Information Database <http://www.sid.ir/fa/ViewPaper.asp>

⁹ <http://www.ensani.ir/fa/content/304356/default.aspx>

¹⁰ Bassham, Irwin, Nardone and Wallace

¹¹ Brown

¹² Fani

تقسیم‌بندی‌هایی که در منابع بررسی شده مشاهده شد، محدود به دو تقسیم‌بندی موانع فردی، خانوادگی، آموزشی و سازمانی (غفاری، ۱۳۸۴) و موانع ذاتی، زبانی، منطقی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی (فرزانه، ۱۳۸۸) بودند. از آنجا که گروه‌بندی دوم با توجه به مباحث مطرح شده در متون مطالعه‌شده، تناسب بیشتری با حیطه‌های انسانی موانع تفکر انتقادی شناسایی شده در کتابخانه‌ها داشت، تقسیم‌بندی مذکور برای جدا و شاخص کردن موانع انتخاب گردید. از سوی دیگر با توجه به عناصر تأثیرگذار بر تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها، موانع رشد و بسترهای لازم جهت ارتقاء تفکر انتقادی به چهار عرصه کاربران، کتابداران، منابع و سازمان کتابخانه تقسیم شد. چرا که کتابخانه‌ها دربرگیرنده تأثیرات متقابل میان کاربران، خدمات، اطلاعات و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات هستند (باغ‌جنتی، ۱۳۹۲). در نتیجه موانع ذاتی، زبانی، منطقی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی تفکر انتقادی به صورت جداگانه در مورد هر یک از عرصه‌های چهارگانه کتابخانه‌ها یعنی کاربران، کتابداران، منابع و سازمان کتابخانه اعمال گردید؛ برای مثال موانع زبانی کتابداران، به موانع رشد تفکر انتقادی در بین کتابداران هنگام کاربرد زبان می‌پردازد. به این ترتیب بر اساس مطالعات صورت گرفته، تقسیم‌بندی ویژه‌ای برای این موانع طراحی شد. پس از آن با ارسال فهرست و تقسیم‌بندی صورت گرفته برای هفت تن از استادان هیأت علمی در رشته‌های علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی و صاحب‌نظران حوزه تفکر انتقادی در رشته علوم تربیتی و استفاده از نظرات ایشان، مطابق با محیط فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کتابخانه‌ها، موانع رشد و توسعه تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها اعتبار سنجی و نهایی شد. در ادامه برای درک بهتر این تقسیم‌بندی شرح کوتاهی از هر یک از مقوله‌های بکاربرده شده در آن ارائه می‌شود.

موانع چهارگانه رشد تفکر انتقادی

موانع ذاتی: متفکران انتقادی تأکید می‌کنند که افراد از آن بابت که انسان هستند در معرض انواع و اقسام موانع ذاتی قرار دارند، مانند اعتماد به نفس پایین که می‌تواند جلوی فرآیند مثبت تفکر انتقادی را سد کند.

موانع زبانی: از دیگر موانع تفکر انتقادی موانع زبانی هستند که هنگام تأمل بر کاربرد زبان باید به آن‌ها توجه کرد، از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان توسل به کلی‌گویی و کلی‌بافی را نام برد.

موانع منطقی: موانعی هستند که ذهن انسان هنگام به‌کار بردن قواعد و قوانینش برای به‌کارگیری یا قضاوت در مورد اطلاعات، به آن‌ها دچار می‌شود. به‌عنوان مثال، متفکران انتقادی از تحلیل نکردن ارزش و محتوای اطلاعات، به‌عنوان یکی از موانع منطقی تفکر انتقادی یاد می‌کنند.

موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی: پاره‌ای از مؤلفه‌های زندگی جمعی هستند که در حکم مانع برای تفکر انتقادی محسوب می‌شوند و همین‌طور افراد این استعداد را دارند که به جهت دوست داشتن یا متنفر بودن از چیزی نتوانند وجوه مختلف آن را به خوبی ارزیابی کنند. از جمله این موانع ترس، فقدان جسارت و عدم امنیت لازم برای ارائه دیدگاه‌های مختلف است (صفوری، ۱۳۸۹).

عرصه‌های کاری کتابخانه‌ها

کاربران: افرادی که به مهارت‌های تفکر انتقادی تجهیز هستند، در فرآیند یادگیری و در برخورد با اطلاعات جدید و ناشناخته، زمینه لازم برای آزمون اطلاعات جدید، درک و تبدیل آن‌ها به دانش و شناخت را به‌وجود می‌آورند. پس می‌توان گفت تقویت حیطه شناختی و ایجاد انگیزه در میان کاربران از بسترهای لازم جهت رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها است.

کتابداران: دارا بودن مهارت‌های تفکر انتقادی باعث می‌شود که کتابداران توانایی شناسایی، انتخاب و مدیریت اطلاعات معتبر از بین حجم گسترده اطلاعات را پیدا کنند. همچنین با ارائه خدمات (تشخیص نیاز اطلاعاتی کاربران و تصمیم‌گیری و انتخاب بهترین منابع) و آموزش مهارت‌های کتابخانه‌ای می‌توانند در به‌وجود آوردن نگرش و دانشی از مهارت‌های تفکر انتقادی بین دانشجویان نقش مهمی ایفا نمایند.

منابع کتابخانه‌ای: از بسترهای لازم جهت به‌وجود آوردن حیطه شناختی، نگرش و کسب دانش برای ارتقاء تفکر انتقادی، منابع کتابخانه‌ای هستند. ارزیابی و گزینش منابع اطلاعاتی مناسب در حوزه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی و یاری رسانی به کاربران در استفاده از این منابع، می‌بایست از دیدگاه انتقادی مورد بررسی قرار گیرد.

سازمان کتابخانه: در نهایت با تقویت حیطه عاطفی، ایجاد جو عدم تعادل، فراهم آوردن فضایی برای کنش متقابل و برقراری توازن بین چالش و حمایت در محیط کتابخانه‌ها می‌توان موقعیت‌های مختلفی را جهت رشد تفکر انتقادی دانشجویان به وجود آورد (باغ‌جنتی، ۱۳۹۲).

موانع ذاتی

محدودیت‌های ذاتی اولین نوع از موانع تفکر انتقادی هستند و به آن دسته از موانع اطلاق می‌گردند که ناشی از ذات افراد است. با اینکه این موانع از اجتماع، نظام تربیتی و عوامل خانوادگی نیز تأثیر می‌پذیرند، در رفع این موانع بیشترین تلاش بایستی از طرف خود فرد صورت پذیرد (شعبانی، ۱۳۸۲: ۸۷). با توجه به ذاتی بودن این موانع، نمی‌توان به صورت کامل بر آن‌ها غلبه کرد، اما می‌توان آن‌ها را محدود نمود. در ادامه به مهم‌ترین موانع ذاتی که در بروز تفکر انتقادی در میان کاربران کتابخانه نقش دارند پرداخته می‌شود.

• موانع ذاتی مربوط به کاربران

۱. پایین بودن اعتماد به نفس: افراد در بسیاری از مواقع از توانایی‌ها و استعداد‌های زیادی برخوردارند، اما با تردید به آن‌ها می‌نگرند و احساس می‌کنند که نظرات آن‌ها ارزش زیادی ندارند، طوری که حتی جرأت ندارند آن را بر زبان بیاورند (حسینی و بهرامی، ۱۳۸۱). عدم اعتماد به نفس در کاربران کتابخانه‌ها باعث تحلیل روحیه، بی‌توجهی به اطلاعات و عدم توانایی در تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات و همچنین کندی انتقال اطلاعات توسط کتابداران به این دسته از مراجعان خواهد شد (شهرآرای و مدنی‌پور، ۱۳۷۵).

۲. نداشتن انگیزه: آمابیل^{۱۳} (۱۹۸۸) مهم‌ترین مانع ذاتی در بروز تفکر انتقادی را نداشتن انگیزه ذکر می‌کند (نقل در حسینی و بهرامی، ۱۳۸۱). زیرا به محض اینکه مسأله‌ای در ذهن به وجود می‌آید یا افراد با مشکلی مواجه می‌شوند و یا اجرای عملی احتیاج به تدابیر جدیدی پیدا می‌کند، انگیزه برای به جریان افتادن تفکر انتقادی، به وجود می‌آید (غفاری، ۱۳۸۴). پس انگیزه را می‌توان نیروی محرک فرآیند تفکر انتقادی کاربران کتابخانه‌ها در نتیجه تلاش برای به دست آوردن اطلاعات جدید و معتبر دانست.

¹³ Amabile

۳. ناتوانی در جستجوی اطلاعات کافی و مناسب درباره یک موضوع: یکی از مؤلفه‌های اساسی تفکر انتقادی وضوح، دقت و نظم منطقی در جستجوی اطلاعات است. زیرا در جستجوی نظام‌مند اطلاعات است که کاربران می‌توانند موضوعات پیچیده را درک و بین موضوعات مرتبط ارتباط برقرار کنند. مواجهه همیشگی افراد با انبوه داده‌ها، اطلاعات، اسناد و مدارک در مورد هر موضوع توانایی در جستجوی اطلاعات کافی و مناسب را ضروری می‌کند تا از این طریق بتوانند با سنجش اعتبار اطلاعات، آن‌هایی را که از اعتبار و ارتباط کافی برخوردار نیستند، کنار بگذارند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). همچنین نداشتن دیدی انتقادی باعث می‌شود کاربران اطلاعات قضاوت احساسی و بر پایه پیش‌دانسته‌ها در مورد اعتبار اطلاعات داشته باشند در نتیجه جستجوی شواهد و مدارک معتبر را با یافتن نخستین مدرک کافی بدانند بنابراین، متوجه نمی‌شوند با چه کمبودهای اطلاعاتی مواجه هستند تا به جستجوی آن بپردازند.

۴. انعطاف‌پذیر نبودن: گیلفورد^{۱۴} (۱۹۵۹) اشاره می‌کند که متفکر نقاد انعطاف‌پذیر است و با استفاده از این ویژگی، توانایی تعقیب و دستیابی به بهترین راه‌حل را از میان راه‌حل‌های مختلف داراست (نقل در شهرآرای و مدنی‌پور، ۱۳۷۵). همچنین مفهوم قابلیت انعطاف‌پذیری همان‌طور که پرکینز^{۱۵} شرح می‌دهد شامل تنظیم دوباره اندیشه‌هاست (نقل در سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲). کاربرانی که دارای این قابلیت هستند، اغلب می‌توانند رفتاری فراتر از حالت کنش و واکنش عادی در کتابخانه‌ها داشته باشند و با استفاده از الگوها و روش‌های تجزیه و تحلیل متفاوت بیشترین استفاده از اطلاعات را داشته باشند.

۵. تعصب فکری: آنچه در فرآیند تفکر انتقادی اهمیت دارد این است که "از آن ما بودن" و "از آن دیگران بودن" صدق و کذب کامل اندیشه‌ای را مشخص نکند. در صورت حاکمیت انصاف، کاربران اطلاعات توانایی مواجهه با اندیشه‌های متنوع و متکثر را خواهند داشت (باشام و دیگران، ۲۰۱۱). پاول^{۱۶} اعتقاد دارد که متفکرین نقاد آن‌هایی هستند که با تفکر عمیق در مورد خود و محیط اجتماع، از تعصب و عادات اندیشه‌ای نامناسب اجتناب نمایند (پاول و الدر^{۱۷}،

¹⁴ Guilford

¹⁵ Perkins

¹⁶ Paul, Richard

¹⁷ Elder, Linda

۲۰۰۶). در نتیجه می‌توان گفت کاربران کتابخانه‌ها بهترین کاری که در جهت حرکت به سوی عینیت بیشتر می‌توانند انجام دهند این است که در حین آشکار کردن باورها و استنباط‌های خود تحمل آراء مخالف را داشته باشند.

۶. عدم تحمل ابهام: موقعیت‌های مبهم و پیچیده و نامطمئن، سوء تفاهمات و تناقض‌های جدی در کاربرد ایجاد می‌کند و وی احساس می‌کند که قادر به رویارویی با آن‌ها نیست، بنابراین از این موقعیت‌ها استقبال نمی‌کند. اما بررسی موقعیت‌ها یا ایده‌های مبهم توسط کاربران اطلاعات می‌تواند منبع اندیشه و تفکر انتقادی باشد. رویگردانی از این ابهامات، فرصت‌هایی که می‌تواند منجر به رشد تفکر انتقادی گردند را حذف می‌کند.

۷. کنجکاو نبودن در جستجوی اطلاعات: مطلع بودن گام نخست انتقادی اندیشیدن و عامل اصلی دانایی، کنجکاو است. کنجکاو امری ذاتی است، اما تحول و فعال شدن آن در افراد کاملاً اکتسابی است (افروز، ۱۳۹۱). کنجکاو می‌تواند تمایل به شناختن موضوعات و متکی به اصل پایداری در اندیشه‌ورزی دانست (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). کاربرانی که معمولاً زودتر و دقیق‌تر به بعضی از مسائل و پدیده‌ها توجه کرده و سعی می‌کنند این کنجکاو‌ها را از طریق تجربه‌های مستقیم به صورت آزمون و خطا و کسب آگاهی و دانش ارضا نمایند، باعث رشد تفکر انتقادی خویش می‌شوند.

۸. تأکید بیش از اندازه بر حافظه: حافظه انسان با وجود اهمیتی که دارد به هیچ عنوان قابل اعتماد نیست (زرین‌کلاه، ۱۳۸۶). کاربران منابع اطلاعاتی نمی‌توانند همه داشته‌ها و تجربیات قبلی خود را به تمامی و به صورت کامل در حافظه خود نگه دارند، بنابراین می‌توان بیان داشت برای متفکر انتقادی بودن به هیچ عنوان نباید تنها به حافظه اعتماد کرد و باید به طرق مختلف مثل نگارش اطلاعات این خلل را جبران نمود.

۹. عدم توانایی ریسک‌پذیری: یکی از عوامل اساسی در زمینه‌سازی جریان تفکر انتقادی، ریسک‌پذیری است. زیرا تفکر و اندیشیدن انسان با طرح مسأله و سؤال آغاز می‌گردد و باعث ایجاد جو عدم تعادل در ساخت شناختی و عاطفی فرد می‌گردد (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۱). کاربرانی که توانایی ریسک‌پذیری ندارند توانایی آزمایش کردن راه‌های جدید برای رسیدن به اطلاعات مناسب و معتبر را نخواهند داشت.

• موانع ذاتی مربوط به کتابداران:

پس از موانع ذاتی مربوط به کاربران، لازم است موانع ذاتی مرتبط با طرف دوم تعاملات در کتابخانه، یعنی کتابداران مورد بررسی قرار گیرند. در ادامه توضیحاتی در مورد موانع ذاتی مربوط به کتابداران که در بروز تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها نقش دارند، آورده می‌شود.

۱. ترجیح نفع شخصی به جای بها دادن به حقیقت: فرد حقیقت‌گریز در صورت مواجهه با اطلاعات و مدارک معتبر و جدید که با پیش‌داشته‌های او در تعارض است، می‌کوشد آن شواهد را بی‌ارتباط با موضوع و بی‌اهمیت جلوه دهد. این‌گونه هدف او برآوردن منافع و مصالح شخصی خود به رغم نادیده گرفتن حقیقت می‌شود (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۲۷۹). اما کتابدارانی که دید انتقادی دارند، هدف خود را نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر به حقیقت قرار می‌دهند حتی اگر جستجوی حقیقت آنان را در چالش با وضعیت موجود خود و نیز محیط اجتماعی اطرافشان قرار دهد.

۲. نداشتن تواضع فکری یا دگم‌اندیشی: افرادی که دارای تواضع فکری نیستند، توانایی رسیدن به درجه‌ای از صراحت و یقین را ندارند، در نتیجه اندیشه‌های پیچیده را به چارچوب‌های کلیشه‌ای چون درست و نادرست و سیاه و سفید تقسیم می‌کنند (باشام و دیگران، ۲۰۱۱). اما تفکر انتقادی با تأکیدی که بر تواضع فکری دارد، باعث می‌شود که افراد آرای خود را مطلق و قطعی ندانند (صفوری، ۱۳۸۹). در نتیجه کتابداران نقاد همیشه آمادگی لازم برای تغییر آرای خود در مواجهه با استدلال‌ها و شواهد جدید را دارند، حتی اگر این امر خلل‌های جدی در آرای آن‌ها به وجود آورد.

۳. عدم احساس همدلی: باور به اینکه آراء، عقاید و داوری‌های کتابداران قطعی و کلام آخر نیستند، آنان را به مشارکت و همدلی فکری که یکی از مهارت‌های تفکر انتقادی است، ترغیب می‌کند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۵۸). نتیجه همدلی فکری رفع کردن همزمان نقاط ضعیف یا نادرست و ترفیع دادن نقاط قوت و درست داوری‌هاست. این رشد در قضاوت و خودکنترلی باعث ایجاد حس همدلی در بین کتابداران و کاربران ایشان می‌شود.

۴. فقدان گوش‌دادن جدی: کتابدارانی که دارای مهارت‌های تفکر انتقادی هستند، هنگام گوش فرا دادن به کاربران خود، مهارت‌های فکری خود را کاملاً به کار می‌گیرد و همواره واقعیت‌ها و عقاید موجود را زیر سؤال می‌برد و از بحث و جدل انتقادی و منطقی استقبال

می‌کند (فیاض، ۱۳۸۷)، ایشان با گوش دادن جدی، دیدگاه‌های مختلف را کشف کرده و شرایطی ایجاد می‌کند که کاربران عقاید و نظرات خویش را بیان کنند.

۵. عدم پذیرش دیدگاه‌های متفاوت: کتابداران متفکر منتقد در پذیرش دیدگاه‌های متفاوت منصف و بی‌طرف هستند. چرا که می‌پذیرند در نظر و آرای‌های متفاوت جنبه‌های منطقی وجود دارد که باعث می‌شود اشتباه و محدودیت‌های فکری شناخته شود. تأمل در اندیشه‌های فعلی در مواجهه با دیدگاه‌های متفاوت باعث تکمیل و یا تصحیح دیدگاه ایشان خواهد شد (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۶۴). چه بسا کتابداران در پی ارزشیابی دیدگاه‌ها و داوری‌های متفاوت دیگران از جمله کاربران خود مزیت‌هایی در آن‌ها بیابند که در دیدگاه اولیه آنان وجود نداشت (همان: ۱۷۵).

• موانع ذاتی مربوط به منابع:

کتابخانه‌ها در تمامی وجوه حرفه‌ای خود با منابع اطلاعاتی مواجه هستند و کاربران زیادی جهت رفع نیازهای اطلاعاتی خود به منابع کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند، در حالی که قادر به تشخیص اطلاعات مفید از غیر مفید نیستند. از آنجا که داشتن اطلاعات و دانش کافی یکی از عوامل بستر ساز تفکر انتقادی است، استفاده از منابع کتابخانه‌ای که برای مقاصد مختلف آموزشی و پژوهشی انتخاب شده‌اند، می‌توانند بستر لازم جهت کسب دانش و در نهایت ارتقای سطح تفکر انتقادی کاربران را به وجود آورد. از این‌رو در این قسمت به مهم‌ترین موانع ذاتی که در بروز تفکر انتقادی در ارتباط با منابع کتابخانه مؤثرند، پرداخته می‌شود.

۱. عدم جامعیت در پاسخ‌گویی به نیاز اطلاعاتی: جامعیت یک منبع اطلاعاتی در پاسخ‌گویی به نیاز اطلاعاتی، به معنی ارائه یک موضوع به صورت کامل است. یعنی در یک منبع اطلاعاتی باید علت‌ها و تعمیم آن‌ها بررسی شوند، فرض‌ها مشخص شده، استنتاج‌ها و نتایج بررسی و واکنش و رابطه متقابل ایجاد شود تا در نهایت کاربران برای انتخاب آن منابع ترغیب شوند (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۷۳). با افزایش جامعیت یک منبع اطلاعاتی و به تبع آن بالا بردن احتمال استفاده از منابع، می‌توان باعث ارتقای عوامل زمینه‌ساز تفکر انتقادی و کمک به رشد مهارت‌های تفکر انتقادی کاربران کتابخانه‌ها شد.

۲. فقدان کیفیت مورد نیاز برای یافتن پاسخ: کیفیت منابع اطلاعاتی به معنی ارائه اطلاعات در حد تعادل است. زیرا از یک طرف ذهن خالی از اطلاعات قادر به تفکر انتقادی نیست و از

سوی دیگر با ایجاد جو عدم تعادل باعث ایجاد انگیزه و برانگیختگی فکری برای جستجوی اطلاعات در کاربران می‌گردد (همان: ۷۵). بدین ترتیب کیفیت منابع اطلاعاتی باعث می‌شود یکی از مهم‌ترین نتایج تفکر انتقادی یعنی داشتن روحیه جستجوگری و انگیزه مسأله‌یابی و حل آن در کاربران اطلاعات به وجود آید.

۳. متناسب نبودن با سطح فهم مخاطب: تناسب سطح فهم یک منبع، تأثیر نوع و ساختار متن بر درک خوانندگان را بیان می‌کند. منابع اطلاعاتی باید سطح فهم متناسب با کاربران خود را دارا باشند، در غیر این صورت مقوله مطرح در یک منبع درک نخواهد شد و افراد به‌زودی از مطالعه این منابع خسته می‌شوند و این کار را به زمانی دیگر موکول می‌کنند یا حتی از مطالعه آن منصرف می‌شوند. در کمک به کاربران برای درک بهتر منابع، می‌توان توضیح مطالب را با ارائه مثال‌هایی مناسب و عینی مرتبط با موضوع که یادگیری موضوعات جدید را به موضوعات و تجارب گذشته کاربران ارتباط می‌دهد (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۸۸) همراه کرد تا در نهایت با بالا بردن اطلاعات فرد به ارتقاء سطح مهارت‌های تفکر انتقادی کاربران کمک نمود.

موانع زبانی تفکر انتقادی

تأمل بر کاربرد زبان یکی از مهم‌ترین وظایف تفکر انتقادی است. انتخاب پاره‌ای از واژه‌ها و اتخاذ زبانی خاص، همان‌طور که می‌تواند باعث روشن شدن یک بحث شود، قادر است حقیقت را پنهان کند و ابهام به‌وجود آورد. زبان می‌تواند در عوض ارتباط برقرار کردن، به عنوان وسیله‌ای برای کنترل و فشار به کار گرفته شود. همه موارد ذکر شده در بالا از جمله موانع زبانی رشد تفکر انتقادی هستند. از آنجا که این موانع می‌توانند در مورد کتابداران، کاربران و منابع کتابخانه صدق کنند، در ادامه این موانع بدون تفکیک در عرصه‌های فوق توضیح داده می‌شوند.

۱. بیان مبهم موضوع یا مسأله: نویسنده یا گوینده‌ای که نمی‌خواهد ذهنیت و ادراک مخاطب خود را سمت و سو دهد باید از واژه‌هایی استفاده کند که مخاطب درک روشنی از آن‌ها دارد و با این کار به او امکان ارزشیابی ادعای خود را بدهد. همین‌طور برای بالا بردن استحکام منطقی استدلال و نتیجه‌گیری و نیز ایجاد امکان ارزیابی آن ضروری است تا حد ممکن از کلماتی با معنای صریح و دقیق استفاده شود، تا یک بیان روشن از موضوع یا مسأله به‌دست آید

(قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۱۲۳) و بتوان با جستجوی دلایل کافی، آگاهی لازم برای حل مسائل مختلف را کسب و در نهایت به ارتقاء تفکر انتقادی کمک کرد.

۲. استفاده از مغالطه‌های زبانی: مغالطه^{۱۸} به معنی گول‌زننده و فریب‌کارانه، استدلال به ظاهر معتبری است که حتی می‌تواند با مقدمات صحیح همراه باشد، اما با استفاده از دلایل نادرست، عمدتاً به نتیجه‌گیری اشتباه می‌انجامد. مغالطه‌های زبانی را که عموماً به جهت کاربرد نامناسب واژه‌ها و گزاره‌ها به وجود می‌آیند (داگلاس^{۱۹}، ۲۰۰۰) به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌کنند. ابهام، ابهام، سخن از سر قطعیت و مقایسه‌های بی‌جهت از جمله مغالطه‌های زبانی هستند که می‌توانند به عنوان مانعی برای تفکر انتقادی مطرح باشند.

۳. کلی‌گویی و کلی‌بافی: با اتخاذ شیوه کلی‌گویی و کلی‌بافی گوینده یا نویسنده گزاره‌ها و مفاهیمی را به کار می‌برد که بر مصادیق بسیاری قابل اعمال هستند. علت کلی‌گویی این است که ریز و تخصصی سخن گفتن نیازمند دانش کافی است. کلی‌گویی و کلی‌بافی با عدم تخصصی‌شدن حوزه‌ها، غفلت از پرسش‌های اساسی، فقدان روش‌شناسی منسجم (مجموعه‌ای از مفروضات، پرسش‌ها و استنتاجاتی که به صورت مدون و منظم در کنار هم قرار می‌گیرند)، از تفکر انتقادی افراد جلوگیری می‌کند (زرین‌کلاه، ۱۳۸۶).

۴. اتخاذ زبانی خاص که بار ارزشی و احساسی دارد: نویسنده یا گوینده ادعایی که با غرض‌ورزی و یا جانبداری همراه است بر داه‌ها و اطلاعات خاصی تأکید می‌کند. در این حالت، برای تأثیرگذاری بیشتر کلمات خاصی به کار برده می‌شود. نویسنده یا گوینده با چنین رویکردی نظر و گرایش یا حتی احساس خود را به مخاطب منتقل کرده و او را نسبت به آن ادعا متقاعد می‌کند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). این در شرایطی است که تفکر انتقادی به افراد گوشزد می‌کند که در هنگام مطرح کردن هر نظر و رأی‌ای باید کمال تلاش خود را به کار گیرند و آن را چنان معرفی کنند که در باب صاحب آن رأی و در مورد محتوای آن نظریه، القاب منفی و مثبت احساسی وجود نداشته باشد (زرین‌کلاه، ۱۳۸۶).

¹⁸ Fallacy

¹⁹ Douglas, Nancy

موانع منطقی تفکر انتقادی

اندیشمندان حوزه تفکر انتقادی در میان موانع چهارگانه‌ای که معرفی می‌کنند بیش از هر مانعی بر موانع منطقی تأکید دارند. منظور از موانع منطقی آن موانعی هستند که بر اثر استدلال‌هایی که از جهت منطقی اشتباه هستند، به وجود می‌آیند. همان‌طور که در مورد موانع زبانی بیان شد این حیطه از موانع نیز می‌توانند در مورد کتابداران، کاربران و منابع کتابخانه صدق کنند، بنابراین در ادامه مصادیق این دسته از موانع بدون تفکیک در عرصه‌های مختلف کتابخانه‌ها بیان می‌شوند.

۱. قضاوت بر پایه داده‌های نامعتبر و/ یا ناکافی: قابلیت در ارزیابی و قضاوت انتقادی از اصول اساسی استدلال و تفکر انتقادی است (بختیارنصرآبادی، نوروزی و حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۱۱). تفکر انتقادی جهت رسیدن به نتایج درست، برای پیش‌فرض‌هایی که افراد اتخاذ می‌کنند، اهمیت زیادی قایل است. به این ترتیب می‌توان گفت یکی از اساسی‌ترین شرط‌های به‌کارگیری تفکر انتقادی در افراد، استفاده از اطلاعات، دانش و آگاهی مربوط به ویژگی‌ها، خصیصه‌ها و جوانب مهم موضوع است (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

۲. تحلیل نکردن ارزش و محتوای اطلاعات: افرادی که به تحلیل ارزش و محتوای اطلاعات نمی‌پردازند، نمی‌توانند نسبت درستی میان علت و معلول برقرار کنند و اطلاعات دقیق و با ارزش را به‌درستی در جایگاهی صحیح میان سلسله علل مادی قرار دهند. این در شرایطی است که متفکر نقاد می‌کوشد با تحلیل ارزش و محتوای اطلاعات از طریق ارزیابی ماهیت شواهد و اعتبار منابع، جذابیت‌های هیجانی نادرست و فرض‌های تأیید نشده را شناسایی کند، مباحث را به دقت تجزیه و تحلیل کند و شواهد و مدارک معتبر را از میان اطلاعات کسب شده به‌دست آورد (زرین‌کلاه، ۱۳۸۶).

۳. مغالطه از سر جهل: در فرهنگ روزمره در پاره‌ای از مواقع برای آنکه ثابت کنند مدعایی درست است، تصریح می‌کنند که دلیلی برای ابطال آن پیدا نشده است. به عبارت دیگر، این‌طور بیان می‌شود که چون دلیلی برای ابطال گزاره‌ای نداریم پس این گزاره درست است (داگلاس، ۲۰۰۰). اما با تفکر انتقادی تلاش می‌شود برای هر مدعایی دلیل ارائه شود. اگر افراد به دنبال دلایل مدعاهای خویش و اطلاعات معتبر برای اثبات آن‌ها نباشند، فرآیند تفکر انتقادی در همان

ابتدا، خاتمه پیدا می‌کند و نه تنها به رشد و شکوفایی نمی‌رسد بلکه جرقه‌های اولیه آن نیز خاموش می‌شود.

موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی

در بیشتر مواقع اطلاعات به جهت خلل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به صورت اشتباه درک و یا تفسیر می‌شوند. به‌طور مثال در بیشتر موارد مدعایی که از فردی غیرمعتبر صادر شده رد می‌شود، در حالی که ممکن است فرد در این مورد خاص صادق باشد. به عبارت دیگر بر اینکه چه کسی حرفی را زده تأکید و توجه می‌شود و نه آنکه چه گفته است. دخیل کردن پیش‌فرض‌ها و حب و بغض‌ها در قضاوت‌ها، سیاه و سفید دیدن مسائل، قایل شدن به مرجعیت فرامنطقی، غیرتحلیلی کردن یک مسأله، ایجاد فشارهای سیاسی و اجتماعی، تنها بخشی از ده‌ها موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی هستند که فراروی تفکر انتقادی وجود دارند. در این قسمت ابتدا موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به کاربران کتابخانه‌ها بررسی شده و در ادامه بحث این موانع در حیطه‌های مربوط به کتابداران و سازمان کتابخانه شرح داده می‌شوند.

• موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به کاربران:

۱. ناتوانی در ایجاد ارتباط مؤثر با دیگران: کاربرانی که برای ایجاد ارتباط در یک گفتگو با کتابداران و یا کاربران دیگر شرکت می‌کنند، اما به‌جای حاکم کردن فضایی عقلانی بر گفتگو فضایی احساسی ایجاد می‌کنند، نمی‌توانند ارتباط درستی را به وجود آورند. به این ترتیب مانعی ایجاد می‌شود که در این گفتگو افراد نتوانند به راحتی نظرات و آرای خود را ابراز کنند. این شرایط سدی برای تفکر ژرف و انتقادی خواهد شد.

۲. استفاده نکردن از اطلاعات در موقعیت‌های جدید: با توجه به این‌که شتاب تحولات در جهان امروز چنان است که فرصت چندانی برای کسب داده‌ها و اطلاعات لازم و کافی در اختیار نیست (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۴۰)، کاربران کتابخانه‌ها باید بتوانند اطلاعات جمع‌آوری شده را به‌درستی با موقعیت‌های جدید هماهنگ کرده و به گونه‌ای سریع و منطقی به‌طوری‌که از رقبا پیشی بگیرند، مورد استفاده قرار دهند. داشتن مهارت‌های تفکر انتقادی به کاربران کمک می‌کند

که بتوانند در موقعیت‌های مختلف زندگی با دیدی باز به مسائل برخورد کرده و راه‌حل‌های مناسب را به کمک اطلاعات در دسترس اتخاذ کنند.

موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به کتابداران:

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، بخشی از موانعی که در برابر رشد تفکر انتقادی وجود دارند، موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در ارتباط با کتابداران و نحوه عملکرد این افراد در محیط کتابخانه است. در ادامه به این موانع پرداخته شده است.

۱. استفاده نکردن از الگوهای متنوع در آموزش مهارت‌های کتابخانه‌ای: مهارت‌های کتابخانه‌ای مانند جستجو در منابع کتابخانه و پایگاه‌های اطلاعاتی نیازمند آموزش هستند. اما با توجه به تفاوت‌های فردی میان کاربران کتابخانه‌ها، نیاز است از روش‌های آموزشی متنوعی استفاده شود. استفاده نکردن از محمل‌ها و محل‌های مختلف و ساعات متفاوت در هنگام آموزش مهارت‌های کتابخانه‌ای ممکن است باعث شود همه کاربران نتوانند از آموزش‌های ارائه شده استفاده کنند. همچنین آموزش مهارت‌های کتابخانه‌ای باید جنبه هدایتی داشته باشد. کتابداران در هدایت کردن کاربران باید به تبادل نظر، تشویق به تفکر و کمک به آن‌ها در تشخیص راه‌حل‌های متفاوت توجه داشته باشند و سطوح رشد، استقلال، قدرت تمیز و نقش کاربران در اجتماع را نیز مورد توجه قرار دهند (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۷۹).

۲. عدم ارائه فرصت مناسب به کاربران برای بیان اندیشه و افکار: تفکر انتقادی این ادراک است که حقیقت مطلق درباره هر موضوعی در اختیار هیچ کس نیست. همین که کاربر بداند که هیچ مسأله پیچیده‌ای یک پاسخ ثابت و قطعی ندارد نسبت به بیان اندیشه و افکار متفاوت منعطف می‌شود و از مواجهه با آن‌ها استقبال می‌کند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۱۷۲). داشتن روحیه تفکر انتقادی در کتابداران با ارائه فرصت مناسب برای بیان اندیشه و افکار و ایجاد زمینه‌های مناسب و مساعد این امر موجب ارتقاء سطح درک و عمق بخشیدن به فهم موضوعات آموزشی مورد نظر در کاربران می‌گردد. در این صورت کاربران این امکان را پیدا می‌کنند که بر اساس قابلیت‌های فعلی و نیازهای اطلاعاتی خویش دانش و اطلاعات مورد نیازشان را جستجو و پیدا کنند (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۳۸ - ۳۹).

۳. پاداش ندادن به اعمال انتقادی: پوپر^{۲۰} می‌گوید فردی که انتقادی عمل می‌کند باید تشویق گردد و فردی که با انتقاد و تفکر انتقادی می‌جنگد در راه عدم رشد خویش و دیگران گام برمی‌دارد (بختیارنصرآبادی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۶). بنابراین کتابداران با پاداش ندادن به اعمال انتقادی بخش مهمی از روش تحقیق که به‌وسیله آن دانش علمی خلق می‌گردد، را ناتمام می‌گذارند و در نتیجه کاربران کتابخانه‌ها از مشارکت فعال در این زمینه دلسرد می‌شوند.
۴. فقدان تسلط کافی به مهارت‌های کتابخانه‌ای: عمده‌ترین لازمه دستیابی به اطلاعات معتبر که از الزامات تفکر انتقادی است، داشتن مهارت‌های کتابخانه‌ای به مفهوم توان استفاده از خدمات و امکانات کتابخانه است. چرا که بدون این مهارت‌ها، کسب دانش و اطلاعات با مشکلات بسیاری همراه خواهد شد. بنابراین از وظایف مهم و اساسی کتابداران تسلط به مهارت‌های کتابخانه‌ای و آموزش این مهارت‌ها به کاربران خود است.
۵. تحریک نکردن حس کنجکاوی مراجعان: دیویی^{۲۱} معتقد است تفکر با تجربه آغاز می‌شود و مستلزم برخورد با مسائل است. پس به‌جای تحمیل و تلقین اطلاعات به کاربران، باید عملاً اوضاع و شرایطی فراهم شود که حس کنجکاوی آنان برانگیخته شود (نقل در شعاری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۶۶ - ۳۶۷). چراکه داده‌ها و اطلاعاتی که تا حد لازم معتبر نیستند اشتیاقی برای کاوشگری در کاربران برنمی‌انگیزند. مهمترین الزام کنجکاوی امکان دسترسی کاربر به داده‌ها و اطلاعات مستند و معتبر است (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).
۶. توجه نکردن به تفاوت‌های فردی: هر کاربر به علل بسیار از جمله جایگاه اجتماعی، پیشینه‌های فرهنگی متفاوت، آموخته‌ها و پرورش متمایز و احساسات و عواطف خاص از کاربران دیگر متمایز است. بنابراین توجه به تفاوت‌های فردی کاربران که یکی از عوامل مهم و مؤثر در رشد تفکر انتقادی است (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۶۶)، از جمله وظایف کتابداران در آموزش مهارت‌های کتابخانه‌ای و ارائه خدمات به کاربران در فرآیند یادگیری و برخورد با اطلاعات جدید و ناشناخته است. بدین ترتیب کتابداران زمینه لازم برای آموختن اطلاعات جدید، درک و تبدیل

²⁰ Popper, Karl

²¹ Dewey, John

آن‌ها به دانش و شناخت را برای کاربران مختلف و با توجه به تفاوت‌های فردی میان آن‌ها به‌وجود می‌آورند.

۷. عکس‌العمل نامناسب نسبت به سؤالات و پاسخ‌های مراجعان: تفکر انتقادی با ایجاد جریان پرسش و پاسخ، کاربران را وادار به فعالیت و بحث می‌کند تا آنان به تجدید نظر در قضاوت‌های خود تشویق شوند (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۷۷). با ایجاد فضای مناسب برای طرح سؤال و پاسخ دادن به آن، مراجعان استعداد و مهارت فعلی خود را نشان داده و به قدرت فکری و تحلیلی خود پی می‌برند. در نهایت کاربران فرصت پیدا می‌کنند تا به تقویت قوای فکری و انتقادی خویش در محیط کتابخانه‌ها بپردازند.

موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به منابع:

بخش دیگری از موانع، که در رابطه با بروز و رشد تفکر انتقادی وجود دارند، به منابع و نحوه طرح مسائل در آن‌ها بر می‌گردد. در ادامه به این دسته از موانع پرداخته شده است.

۱. تأکید بر مرجعیت فرا منطقی: مرجعیت فرا منطقی یعنی اعتقاد به این‌که اگر فردی که اکثریت مردم او را قبول دارند، حرفی بزنند پس باید پذیرفت، یا حرفی که اکثر افراد آنرا قبول دارند قابل قبول است و برعکس سخنی که توسط اکثریت رد می‌شود را نباید درست دانست. اما در تفکر انتقادی حجت با عقل است. اگر همه انسان‌ها بر نظری پافشاری کنند ولی متفکر نقاد پی ببرد این اکثریت، رأیی اشتباه را اخذ کرده‌اند، تابع جز حداکثری نمی‌گردد (زرین‌کلاه، ۱۳۸۶).

۲. وجود سوگیری‌های نویسنده در بهره‌گیری از منابع مختلف: از نظر پاول متفکر نقاد برای جلوگیری از سوگیری باید قضاوت‌ها و باورهای خویش در مورد مسائل را به حالت تعلیق در آورد. نویسنده و یا گوینده مطلبی در صورت کنار گذاشتن اغراض امکان می‌یابد در روند شناخت هر موضوع یا بررسی هر معضلی با رویکرد انتقادی مواجه شود و از تمام مدارک موجود استفاده کند تا آن را اثبات یا رد کند. متفکر نقاد با این مهارت می‌تواند بدون توجه به سوگیری‌های مثبت یا منفی از منابع مختلف استفاده کند (پاول و الدر، ۲۰۰۶).

۳. عدم تمایز بین واقعیت و عقیده شخصی نویسنده: سیگل^{۲۲} بیان می‌کند که تفکر انتقادی تمایل فرد به تغییر موضع دادن شایسته به واسطه دلایل منطقی است. (نقل در بختیارنصرآبادی و دیگران ۱۳۸۴: ۱۲۴). جوینده حقیقت بدون تلاش برای مقابله یا حذف این تمایل که هر فردی از عقیده شخصی خود دفاع می‌کند، می‌کوشد حقیقت‌جویی را نسبت به بر حق دانستن خود در اولویت قرار دهد. به همین دلیل تفکر انتقادی برای کشف معتبرترین حقیقت به تمام اطلاعات و مدارک مستند و نیز استدلال و استنتاج‌های منطقی توجه نشان می‌دهد. بدون این‌که از پیامد این توجه بترسد (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

۴. عقاید و افکار محدود محلی: یکی از هدف‌های اصلی تفکر انتقادی در تمامی سطوح، انتقال افراد از دنیای خودمحور مبتنی بر تجربیات شخصی محدود و محلی و واقعیات محسوس به قلمرو دنیایی غنی‌تر و انتزاعی‌تر و متضمن ارزش‌ها، بینش‌ها و حقایق متعدد و گوناگون است. افراد قادر به تفکر انتقادی نخواهند بود مگر این‌که بتوانند تصور و برداشت خود را از عقاید و افکار محدود محلی دست کم به‌طور موقت کنار بگذارند و به واقعیات‌های جایگزین دیگر بیندیشند. مواجه شدن با پرسش یا مسأله و نتایج حاصل از تعاملاتی که متفاوت با نگرش‌های شخصی آنان است، موجب عدم تعادلی می‌شود که خود به کاهش تصورات خودمحورانه و تک‌بعدی فرد کمک می‌کند (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۷۰).

• **موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به سازمان کتابخانه‌ها:**

موانع جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در ارتباط با سازمان کتابخانه‌ها در این قسمت مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرند:

۱. ایجاد فضایی واهمه‌آمیز: مهم‌ترین سد راه تفکر انتقادی، ترس و واهمه و وحشت است و باید از هر عاملی که به تشدید فضای رعب‌آلود کتابخانه‌ها مدد می‌رساند دوری گزید. وحشت و ترس از سر جهل است و اگر فضایی برای تضارب آرا و اندیشه‌ها در کتابخانه‌ها فراهم شود، آگاهی توزیع می‌گردد که خود وحشت‌ستیز و ترس‌برانداز است. (صفوری، ۱۳۸۹).
۲. نبودن آزادی لازم برای ارائه دیدگاه‌های مختلف: این مانع از جمله موانعی است که خاستگاه اجتماعی دارد و در حضور آن نمی‌توان تفکری جدی را سامان داد. آزادی یکی از

²² Siegel, Harvey

مهمترین پیش فرض‌های تفکر انتقادی است. همانطور که امانوئل کانت^{۲۳} فیلسوف معروف آلمانی سده هجدهم می‌گوید تفکر انتقادی بدون آزادی در ارائه دیدگاه‌های مختلف معنا ندارد (فیاض، ۱۳۸۷). چرا که متفکر نقاد در مسیر طولانی که برای رسیدن به حقیقت طی می‌کند به تنها چیزی که پایبند است منطق و استدلال است و بدین جهت این امکان وجود دارد که به نتایجی برخلاف بسیاری از پیش فرض‌های موجود برسد. در این حالت، کاربران کتابخانه‌ها بدون داشتن احساس آزادی، قادر نخواهد بود به شکل انتقادی عمل کند و با استفاده از اطلاعات صحیح و معتبر، به نتیجه صحیح دست پیدا کند.

۳. استفاده از یک رویه ثابت در ارائه خدمات: ارائه خدمات با انواع روش‌ها شامل رقابت با نظریه‌های ضمنی کاربران، آموزش نظریه‌ها و نگرش‌های جدید برای تعبیر و تفسیر کردن اطلاعات، ایجاد توازن بین چالش و حمایت، ایجاد جامعیت فکری، انعطاف‌پذیری و توانایی تأمل کردن در برخورد با موضوعات است. در این فعالیت‌ها شیوه‌های جاری و قدیمی تفکر و نگرش کاربران و حتی کتابداران زیر سؤال می‌رود و باعث توسعه فرآیندهای فکری از طریق سیر به ماورای نگرش‌ها و تصورات خودمحوانه می‌شود (سلیمان‌پور، ۱۳۸۰: ۶۹ - ۷۰).

۴. فراهم نکردن محیط پرسشگری و بحث در کتابخانه: کتابخانه‌ها باید از انتقال اطلاعات و معلومات به سوی هدایت امور آموزشی از طریق فعال ساختن کاربران در شناخت و حل مسائل با ایجاد کردن محیط پرسشگری و بحث در کتابخانه حرکت کنند. از آنجا که هر نوع آموزشی در کتابخانه‌ها بدون مشارکت فعال کاربران بی‌ثمر است، کاربران باید محور اصلی یاددهی و یادگیری در کتابخانه‌ها باشند.

۵. نبودن انعطاف در اعمال ضوابط و مقررات کتابخانه: نبودن انعطاف در اعمال ضوابط و مقررات کتابخانه‌ها از دیگر موانع سازمانی رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌هاست. حرکت در جهت بهینه‌سازی ضوابط و مقررات از طرف مدیریت کتابخانه‌ها و حتی کتابداران می‌تواند با استفاده از پتانسیل‌های محیطی، به غنای هر چه بیشتر کتابخانه‌ها و نیز خدمات و فعالیت‌های آن برای بسترسازی جهت ارتقاء مهارت‌های تفکر انتقادی منجر شود.

²³ Kant, Immanuel

۶. عدم وجود فضای حمایت از انتقادات و پیشنهادات سازنده: پذیرش تغییر با در نظر گرفتن دیدگاه کتابداران و کاربران و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها شرایط و محیطی ایجاد می‌کند که در آن به نظرات و اندیشه‌ها، امکان بروز داده می‌شود. زمانی که افراد اعتقاد داشته باشند که نظرات و پیشنهادهای آن‌ها شرایط محیطی را تغییر نمی‌دهد، از ارائه آن خودداری می‌کنند. بنابراین با ایجاد شرایطی که کاربران و کتابداران احساس کنند که آزادی کافی برای بیان نظرات و اندیشه‌های خود را دارند و فارغ از ترس از خطا و یا غیر متعارف بودن نظراتشان نسبت به مسائل، نظر یا راه‌حل ارائه دهند، یکی از بسترهای رشد و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی مهیا می‌شود (غفاری، ۱۳۸۴).

در مطالعه حاضر سعی شد تا جایی که امکان دارد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها شناسایی و مورد بحث واقع شود. در نهایت نمودار ۱ برای درک بهتر ارتباط میان موانع چهارگانه تفکر انتقادی و نیز عرصه‌های مختلف کاری در کتابخانه‌ها که به طور مشروح مطرح شد، طراحی و تدوین گردید.

نمودار ۱. حیطه‌های مختلف موانع رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها





بحث و نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به رشد روزافزون فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، کتابخانه‌ها از این‌که فقط به‌عنوان مخزنی برای گردآوری و ذخیره منابع باشند، به مراکز دسترسی به اطلاعات و دانش تغییر جهت داده‌اند. کتابخانه‌ها از یک طرف با تفکر و محصولات تفکر یعنی اطلاعات بیشترین ارتباط را

دارند و از سوی دیگر، تحلیل، ارزیابی، واضح‌سازی، طبقه‌بندی و مقایسه کردن که از مؤلفه‌های اساسی تفکر انتقادی هستند، در اغلب فعالیت‌های مرتبط با کتابخانه‌ها نمود پیدا می‌کنند. از این رو ضروری است کتابخانه‌ها خود را با مهارت‌های مورد نیاز کاربران خویش همچون تفکر انتقادی، سواد و مهارت‌های اطلاعاتی وفق دهند. در نتیجه توجه به وضع کتابخانه‌ها و شناسایی مشکلات و بازدارنده‌های قابل ملاحظه در راه ایجاد محیط مناسب پرورش تفکر انتقادی و غلبه بر آن‌ها، لازم و بدیهی است. وجود فضایی مناسب برای رشد و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی به کاربران کتابخانه‌ها سبب می‌شود که استفاده‌کنندگان، افرادی متفکر نقاد تربیت شوند و بتوانند اطلاعات مناسب و مورد نیاز خود را آگاهانه انتخاب کنند و به‌طور مؤثر مورد استفاده قرار دهند. کتابخانه‌ها می‌توانند با فراهم‌آوردن مواد و خدمات مناسب، تشویق کاربران، ایجاد جو پرسش‌گری و بستر مناسب برای تبادل نظر به بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی کاربران خود کمک کنند. کتابخانه‌ها همچنین می‌توانند نقش مؤثری در افزایش کنجکاوی کاربران و آماده‌سازی آنان برای پژوهش و مطالعه داشته باشند و با هدف تشویق و توانمند کردن کاربران برای رسیدن به حداکثر دانایی و توانایی، موجب رشد درک اطلاعاتی، توسعه دانش، تقویت تفکر و افزایش سواد اطلاعاتی کاربران شوند. بنابراین پیشنهاد می‌شود کتابخانه‌ها با برگزاری برنامه‌های مختلف کتابخانه‌ای از قبیل برپایی کارگاه‌ها و نشست‌هایی برای آشنایی و ارتقاء مهارت‌های اطلاع‌یابی، استراتژی‌های جستجو، فنون فرمول‌بندی سؤال و ارزیابی ارزش و اعتبار محتوای اطلاعات و همچنین برگزاری تورهای آموزش استفاده از تجهیزات کتابخانه‌ای، موانع عمده رشد تفکر انتقادی یعنی عدم توانایی در تعیین نیازهای اطلاعاتی و مراحل مختلف شناسایی تا استفاده مؤثر از اطلاعات توسط کاربران را برطرف نماید و باعث تقویت توانایی بحث و گفتگو و بالا رفتن بینش و اعتماد به نفس آنان گردند. در نهایت انتظار می‌رود برنامه‌هایی طراحی شود تا طی آن‌ها کتابخانه‌ها طوری عمل کنند که به عنوان مکمل‌های واقعی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مطرح شوند و با ارائه خدمات و منابع مناسب در جهت تقویت توانایی نقد و بررسی مسائل به کاربران یاری رسانند. اما در حال حاضر هیچ فعالیت رسمی و ساختاریافته‌ای در مورد اهمیت کتابخانه‌ها به عنوان محیطی جهت ایجاد، تقویت و توانمندسازی مهارت‌های تفکر انتقادی کاربران به‌چشم نمی‌خورد. بنابراین توجه جدی به این مهم

در تمام عرصه‌های فعالیت کتابخانه‌ها ضروری است. بنابراین با توجه به نبود زیرساخت‌های لازم، برای رسیدن به این هدف ضروری است ابتدا از جنبه نظری، زمینه‌های لازم مهیا شود و مطالعات مربوط صورت گیرد. سپس بر اساس پایه‌های نظری مناسب، در عرصه‌های عملی اقدامات لازم به مرحله اجرا درآید تا بتوان به نتایج اثربخشی رسید. بنابراین در مطالعه حاضر موانع رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌ها شناسایی و همراه با تقسیم‌بندی طراحی شده ارائه گردید.

فهرست منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۱). نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان. **پیوند**، ۱۵۹، ۱۱-۴.
- باغجنتی، میترا. (۱۳۹۲). بررسی موانع رشد تفکر انتقادی در کتابخانه‌های دانشگاهی ازدیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و خلیج فارس بوشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر. بوشهر.
- بختیارنصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضاعلی. (۱۳۸۳). درآمدی بر جایگاه، معنا، آثار و چشم‌اندازهای تفکر انتقادی. **مجله حوزه و دانشگاه**، ۱۰(۴۰)، ۷۲-۹۲.
- بختیارنصرآبادی، حسنعلی، نوروزی، رضاعلی، حبیبی، ناصر. (۱۳۸۴). انگاره‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت: مقالاتی در زمینه تفکر انتقادی. تهران: **سما قلم**.
- حسینی، سید عباس و بهرامی، مسعود. (۱۳۸۱). مقایسه تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول و آخر کارشناسی. **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی**، ۶، ۲۱-۲۶.
- زرین کلاه، حسن. (۱۳۸۶). تفکر انتقادی، تفکری مبتنی بر شور پی جویی استدلال. **خبرگزاری مهر**. ۱۳۹۱/۱۱/۱۴.

<http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=590649>

سلیمان‌پور، جواد. (۱۳۸۰). مهارت‌های تدریس و یادگیری (کاربرد مهارت‌های تفکر، روش تعلیم و تربیت). تهران: احسن.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). نگاهی نو به روان‌شناسی آموختن یا روان‌شناسی تغییر رفتار. تهران: چاپخش.

شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). کلیات روش تدریس. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شهرآرای، مهرناز و مدنی‌پور، رضا. (۱۳۷۵). سازمان خلاق و نوآور. دانش مدیریت، ۳۳ و ۳۴، ۳۹-۴۸.

صفوری، ویدا. (۱۳۸۹). پیش به سوی تفکر انتقادی. فصلنامه اطلاع‌رسانی و کتابداری «مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات»، ۸۲، ۳۸-۵۵.

غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). بررسی موانع رشد تفکر (انتقادی و خلاق) از دیدگاه مدیران و دبیران دوره متوسطه شهرستان فسا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. اصفهان.

فرزانه، حسین. (۱۳۸۸). موانعی فراروی تفکر برتر. روزنامه قدس. ۱۳۹۰/۱۰/۰۵.

<http://www.gudsdaily.com/archive/1386/html/12/138804/page4.html>

فیاض، محمد رضا. (۱۳۸۷). تفکر انتقادی در فرایند ذهن آدمی. روزنامه راه نجات. ۱۳۹۱/۱۱/۱۴.

<http://www.rahenejatdaily.com/826/87010516.html>

قاضی‌مرادی، حسن. (۱۳۹۱). درآمدی بر تفکر انتقادی. تهران: دات.

کوکبی، مرتضی، حری، عباس و مکتبی‌فرد، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان. مطالعات ادبیات کودک، ۱(۲)، ۱۵۷-۱۹۳.

مایرز، چت (۱۳۹۰). آموزش تفکر انتقادی، (ترجمه خدایار ابیلی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

Armstrong, Jeanne. (2010). Designing a writing intensive course with information literacy and critical thinking learning outcomes. **Reference Services Review**, 38(3), 445-45.

Bassham, Gregory, Irwin, William, Nardone, Henry, Wallace, James M. (2011). Critical thinking, A Student's Introduction. 4th ed. New York: McGraw-Hill.

Brown, Simon. (2009). On the other side of the barrier is thinking. **Acta Didactica Napocensia**, 2(3), 1-8.

Douglas, Nancy L.(2000). Enemies of Critical Thinking: Lessons from Social Psychology Research. **Reading Psychology**, 21(2).

Facion, Peter A. (1990). Critical Thinking: A Statement of Expert Consensus for Purposes of Educational Assessment and Instruction. Millbrae: California Academic Press.

- Facion, Peter A. (2013). Critical Thinking: What It is and Why it Counts. Measured Reasons and The California Academic Press, Millbrae, CA.
- Fani, tayebeh. (2011). Overcoming Barriers To Teaching Critical Thinking. International conference The Future of Education. Florence, Italy, 16-17 June, 2011. Available online at http://conference.pixel-online.net/edu_future/common/download/Paper_pdf/SOE07-Fani.pdf. (20.11.2012)
- Paul, Richard, Elder, Linda. (2006). The Miniature Guide to critical thinking concept & tools. <http://www.criticalthinking.org>. (15.12.2012)

Archive of SID